

**Explaining the bases of geopolitical competition between India and China in Southwest Asia; Presenting a proposed model****Nozari Fazlollah¹| Ahadi Mohammad²| Zeineddini Majid³| Nasirpour Gholamreza^{4✉}**

1. Associate Professor, Strategic Defense Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

E-mail: ij.amir1352@gmail.com

2. Associate Professor, Strategic Defense Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

E-mail: mohammadahadi45@gmail.com

3. Associate Professor, Strategic Defense Sciences, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

E-mail: drzeineddini@gmail.com

4. Corresponding Author, PhD student, Higher National Defense University, Tehran, Iran.

E-mail: rn89211@gmail.com**Article Info****ABSTRACT****:Article type**

Research Article

Article history:

Received

06 November 2023

Received in revised form

27 February 2024

Accepted

14 March 2024

Published online

18 March 2024

Keywords:*India, China, Southwest Asia, geopolitical competition***Objective:** India and China are known as two powers with high geopolitical weight, whose geopolitical action is visible in other geographical areas as well. Meanwhile, one of the important geographical areas that is the scene of geopolitical competition between these two countries is the Southwest Asia region.**Method:** This research, with a qualitative method and a descriptive-analytical approach, and using library resources and a questionnaire, seeks to investigate the theoretical model governing the geopolitical competition of two countries in Southwest Asia. Then, by using the Delphi technique and using a questionnaire, the indicators affecting the geopolitical competition of the two countries were screened.**Findings:** The results of this research show that 15 influential indicators in the geopolitical competition of two countries in Southwest Asia are: strategic straits in the region, strategic positions, communication positions, mineral resource transmission lines, road maritime transportation, striving for regional sovereignty, gaining political position, strategic depth, geopolitical codes, geopolitics of energy, access to trade routes, securing and maintaining stable economic interests, competition for mineral resources, competition for military power and defense-security treaties with major and regional powers. In addition, the calculated indicators were placed in the four dimensions of access, political, economic and military geography.**Conclusion:** A detailed understanding of the geopolitical competition between India and China in Southwest Asia will determine the possibility of the correct policy of the Islamic Republic of Iran towards the two mentioned powers in the region.**Cite this article:** Nozari, Ahadi Mohammadi, Zeineddini, Majid, Nasirpour Gholamreza (2024).Explaining the bases of geopolitical competition between India and China in Southwest Asia; Presenting a proposed model, *Military Sciences and Techniques*, 19 (66), 277- 310.DOI: <http://doi.org/10.22034/QJMST.2024.2015122.1966>

© The Author(s)

Publisher: Command and Staff University

DOI: 10.22034/QJMST.2024.2015122.1966



تبیین بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا؛ ارائه یک

مدل پیشنهادی

فضل الله نوذری^۱ | محمد احدی^۲ | مجید زین الدینی^۳ | غلامرضا نصیرپور^۴ ✉

۱. دانشیار، علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران، رایانامه: ijz.amir1352@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، رایانامه: rostamim110@yahoo.com

۳. استادیار، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، رایانامه: drzeineddini@gmail.com

۴. دانشجوی دکترا، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، رایانامه: rn89211@gmail.com

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

هدف: هند و چین به‌عنوان دو قدرت با وزن ژئوپلیتیکی بالا شناخته می‌شوند که کنش ژئوپلیتیکی آن‌ها در سایر حوزه‌های جغرافیایی نیز به چشم می‌خورد. در این میان یکی از حوزه‌های جغرافیایی مهم که صحنه رقابت ژئوپلیتیکی این دو کشور است، منطقه آسیای جنوب غربی است. هدف از این پژوهش تبیین بسترهای بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا و ارائه یک مدل پیشنهادی در این زمینه است. روش: این پژوهش با روش کیفی و رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه به دنبال بررسی الگوی نظری حاکم بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در جنوب غرب آسیا است. در راستای این پژوهش دوازده نظریه و رویکردی که توسط اندیشمندان شناخته شده در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک ارائه شده است مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه با مطالعه آن نظریه‌ها بیش از ۵۰ شاخص تاثیرگذار بر رقابت ژئوپلیتیکی احصاء گردیده است. سپس با بهره‌گیری از تکنیک دلفی و با استفاده از پرسش‌نامه غربالگری شاخص‌های تاثیرگذار بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور انجام گرفت.

مقاله پژوهشی

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۸/۱۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۲/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۲۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۲۸

کلیدواژه‌ها:

کلمات کلیدی: هند،

چین، آسیای جنوب

غرب، رقابت

ژئوپلیتیک

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ۱۵ شاخص تاثیرگذار در رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در آسیای جنوب غرب عبارتند از: تنگه‌های استراتژیک موجود در منطقه، موقعیت‌های استراتژیک، موقعیت‌های ارتباطی، خطوط انتقال منابع معدنی، راه‌های مواصلاتی دریایی، تلاش برای سیادت منطقه‌ای، کسب موقعیت سیاسی، عمق استراتژیک، کدهای ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک انرژی، دسترسی به راه‌های تجاری، تامین و حفظ منافع اقتصادی پایدار، رقابت بر سر منابع معدنی، رقابت بر سر قدرت نظامی و معاهدات دفاعی - امنیتی با قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای. همچنین شاخص‌های احصاء شده در چهار بعد جغرافیای دسترسی، سیاسی، اقتصادی و نظامی قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری: شناخت دقیق بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا، امکان سیاست‌گذاری صحیح جمهوری اسلامی ایران در قبال دو قدرت یاد شده را در منطقه را مشخص می‌کند.

استناد: نوذری، فضل‌الله، احدی، محمد، زین الدینی مجید، نصیرپور غلامرضا، (۱۴۰۲). تبیین بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا؛ ارائه یک مدل پیشنهادی، علوم و فنون نظامی، ۱۹ (۶۶)، ۳۱۰-۳۷۷.

DOI: <http://doi.org/10.22034/QJMST.2024.2015122.1966>

ناشر: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.

© نویسنده‌گان.



DOI: 10.22034/QJMST.2024.2015122.1966

مقدمه

رقابت ژئوپلیتیکی اشاره به وضعیتی دارد که در آن بسترها و زمینه‌های جغرافیایی، مبنایی برای رقابت کشورها را فراهم می‌کنند. رقابت ژئوپلیتیکی از اشکال مختلفی برخوردار است، رقابت دو یا چند قدرت همتراز، رقابت دو قدرت ناهمتراز، رقابت مداخله‌ای و رقابت اقتصادی. در رقابت مداخله‌ای، رقابت بین بازیگران در قلمرو جغرافیایی ثالث و بر اساس منافع متعارض رخ می‌دهد (حافظنیا، ۵۰۰: ۱۳۹۶). رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و اثر آن بر سایر کشورها از موضوعات مهمی است که اگر در زمان مناسب بدان اهمیت داده نشود آثار زیان‌بار آن می‌تواند موجب از دست رفتن تمام یا بخشی از تمامیت ارضی کشورها شود. به‌عنوان مثال و به‌طور مشخص می‌توان به نتایج رقابت ژئوپلیتیکی "بازی بزرگ"^۱، دو کشور استعماری بریتانیا و روسیه در قرن ۱۹ میلادی اشاره کرد که باعث تجزیه‌ی سرزمین‌های تاریخی ایران بزرگ^۲ و تحدید مرزهای ایران جدید در جناح شرقی و جنوب شرقی شد. (میرحیدر، ۱۳۹۰: ۲۳) همچنین مطالعات متأخر مبین این واقعیت است که محیط رقابت ژئوپلیتیکی کشورها رابطه مستقیمی با تولید و انتقال قدرت نظامی کشورهای بزرگ جهانی دارد (Markowitz, 2018: 7).

سودای چین برای تبدیل شدن به قدرت برتر جهانی در آینده‌ای نه‌چندان دور و جاه‌طلبی بی‌تابانه هند برای تبدیل شدن به قدرت جهانی نشان‌دهنده این واقعیت است که در آینده کشورهای بیشتری در رهبری عرصه جهانی دخیل خواهند شد. (برژینسکی، ۱۳۹۳: ۲۰) برای سنجش میزان قدرت کشورها، از مدل‌های چهار فاکتوری (عاملی) و یازده فاکتوری (عاملی) استفاده می‌شود، چه در مدل چهار فاکتوری (عاملی) و چه در مدل یازده فاکتوری (عاملی)، قدرت آمریکا و اروپا در حال افول و هند و چین در حال صعود است. (لشکر بلوکی، ۱۳۹۹: ۳۱) همچنین وضع موجود روابط بین این دو کشور حاکی از آینده پر از رقابت است؛ رقابتی که هر دو را به گسترش منافع ملی از طریق بازار فروش و رقابت صنعتی و خدماتی خواهد کشاند و در خفا به رقابت در گسترش نیروی نظامی قدرتمند منجر خواهد شد (Joshi and Pant, 2016: 61). لذا با توجه به شرایط گذار در نظام بین‌الملل، مدیریت میدان‌های رقابت میان این دو

^۱ بازی بزرگ نامی است که به رقابت‌های سیاسی و نظامی دو امپراتوری بزرگ بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی داده شده است. این رقابت‌ها از اوایل سده نوزدهم م. یعنی تقریباً پس از معاهده گلستان- مابین روسیه و ایران- آغاز شد و تا سقوط امیرنشین بخارا و پس‌از آن، تا انقلاب اکتبر روسیه ادامه داشت.

^۲ منظور از ایران بزرگ، ایران ممالک محروسه باقیمانده از عصر صفوی و افشاری است.

قدرت برای کشورهای آسیایی و جهان اهمیت حیاتی دارد. (کاوه و محمدی، ۱۳۹۷: ۱۹۳) این دو کشور برای تداوم رشد اقتصادی و توسعه روزافزون خود، نیازمند دستیابی به منابع مختلفی هستند که بخش مهمی از خارج برای این کشورها تأمین می‌شود. همین مسئله باعث شده است که هند و چین یکدیگر را در قامت رقبای بالفعل منطقه‌ای در نظر بگیرند و دامنه رقابت خود را به فراتر از مرزهای جغرافیایی خود گسترش دهند و سایر کشورهای حاضر در منطقه آسیا را نیز از این رقابت‌ها متأثر سازند. (Jawli, 2016: 89) از طرفی دیگر با وجود ردپای بزرگی که آمریکا در جنوب غرب آسیا دارد، زمان کاهش حضور این کشور در این منطقه مهم جغرافیایی فرا رسیده است (Kemp, 2013: 3).

در این میان یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیکی صحنه رقابت هند و چین منطقه جنوب غرب آسیا است. باید گفت که، سرمایه‌گذاری گسترده چین برای رسیدن به بندر گوادر پاکستان و از آن طریق به دریای عمان و خلیج فارس و متقابلاً تلاش هند برای اعمال نفوذ در افغانستان و دسترسی به آسیای مرکزی از طریق بندر چابهار و همچنین مسابقه تسلیحاتی میان دو کشور، وجه رقابت دو کشور را در این پهنه جغرافیایی پررنگ‌تر کرده است. هر دو کشور در پی آن‌اند که علاوه بر تأمین حداکثری منافع و تحدید منافع یکدیگر با استفاده از ابزارهایی مانند ائتلاف با کشورهای ثالث به مناطق تحت سلطه یکدیگر نفوذ نمایند. امنیت انرژی برای این دو قدرت آسیایی بسیار اساسی و شکننده است. چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و در سال ۲۰۲۱ به بزرگ‌ترین واردکننده ال. ان. جی. تبدیل شد. هند نیز سومین واردکننده بزرگ نفت و چهارمین واردکننده بزرگ ال. ان. جی. جهان فاصله چندانی با چین ندارد. (EnergyIntelligence, 2022) به همین علت منطقه جنوب غرب آسیا، به علت برخورداری از منابع سرشار انرژی و موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ و اخیراً این دو قدرت اقتصادی به حساب می‌آید.

به عبارت دیگر، کشورهای هند و چین برای تداوم رشد اقتصادی و توسعه روزافزون خود نیازمند دستیابی به منابع مختلفی هستند که بخش مهمی از آنها از خارج تأمین می‌شود. همین مسئله باعث شده است که هند و چین یکدیگر را در قامت رقبای بالفعل منطقه‌ای در نظر گرفته و دامنه رقابت خود را به فراتر از مرزهای جغرافیایی خود گسترش دهند و سایر کشورهای حاضر در منطقه آسیا را نیز از این رقابت‌ها متأثر سازند (Jawli, 2016: 89).

مهم‌تر از بررسی رقابت ژئوپلیتیکی این دو کشور، بررسی مولفه‌ها و ابعادی است که می‌تواند زمینه را برای رقابت ژئوپلیتیکی این دو کشور فراهم آورد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش

شناسایی ابعاد و زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا و ارائه الگوی نظری متناسب با این ابعاد و زمینه‌های است.

می‌توان گفت که این تحقیق از سه جنبه حائز اهمیت است، اول آن که ادبیات نظری رقابت ژئوپلیتیکی - در مفهوم عام- را در داخل کشور توسعه داده است. دوم آن که هرچند پژوهش‌هایی درباره مناسبات اقتصادی-سیاسی هند و چین صورت گرفته است، لیکن کمتر اثر علمی می‌توان یافت که این دو قدرت نوظهور جهانی را در یک قاب - جنوب غرب آسیا - قرار داده باشد. سوم آن که از لحاظ موضوعی، به الگوی رقابت‌های ژئوپلیتیکی هند و چین پرداخته شده است که می‌تواند برای تصمیم‌گیری‌های آتی کشور به‌ویژه در سطح راهبرد حائز اهمیت باشد. در پایان هدف از اجرای این پژوهش، شناسایی ابعاد و زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا و ارائه مدل پیشنهادی در این زمینه است.

مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش دوازده نظریه و رویکردی که توسط اندیشمندان شناخته شده داخلی و خارجی در ارتباط با رقابت ژئوپلیتیکی ارائه شده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل نظریه‌ها و رویکردهای مرتبط با رقابت ژئوپلیتیکی جهت دستیابی به نظریه منتخب، تمامی دوازده نظریه و رویکردهای مطروحه بررسی و به شرح جدول زیر تلخیص گردیدند.

جدول (۱) نظریه و رویکردهای مرتبط با رقابت و مولفه‌های آنها

ردیف	نظریه‌ها و رویکردها	مولفه‌های رقابت
۱	هربرت اسپنسر (۱۸۶۰)	قدرت کشورها، منابع
۲	فردریک راتزل (۱۹۰۱)	وسعت جغرافیایی، سرزمین
۳	ریچارد اشلی (۱۹۸۰)	رشد جمعیت، توسعه اقتصادی، پیشرفت تکنولوژی
۴	ادوارد لوتواک (۱۹۹۰)	عوامل ژئواکونومیک، اقتصادی، تجاری، منابع انرژی، خطوط انتقال انرژی
۵	ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۳)	تفاوت‌های تمدنی (دینی)، هویت متفاوت، مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک
۶	پیتر می‌یر (۱۹۹۴)	منابع، گروه‌گرایی، ملی‌گرایی، قوم‌گرایی
۷	تامپسون و کلرمنت (۱۹۹۵)	سرزمین، منابع، راه‌های آبی، مناطق ماهیگیری، راه‌های تجاری، رقابت بر سر قدرت نظامی، کسب موقعیت سیاسی - اقتصادی، نفوذ سیاسی در یک منطقه جغرافیایی، رقابت ایدئولوژیک، تحمیل هویت
۸	جفری کمپ (۱۹۹۷)	موقعیت جغرافیایی، گذرگاه‌های استراتژیک (تنگه‌ها)، منابع ژئواکونومیک (نفت و گاز)
۹	محمدرضا حافظ نیا (۲۰۰۶)	موقعیت استراتژیک، موقعیت ارتباطی، موقعیت دریایی، وسعت و عمق استراتژیک، شکل کشورها، توپوگرافی کشور، منابع آب و شبکه آب‌های مرزی مشترک با کشور متقابل، کمیت جمعیت، تراکم جمعیت و مراکز استراتژیک در نزدیکی مرزهای کشور، دین (مذهب و انگیزه‌های عقیدتی)، گروه‌های

ردیف	نظریه‌ها و رویکردها	مولفه‌های رقابت
		قومی، مذهبی، نژادی متجانس با کشور خودی، ظرفیت‌های علمی و فناوری، فناوری فضایی، منابع زیرزمینی، شبکه‌های مواصلاتی و خطوط انتقال انرژی، منافع اقتصادی پایدار، ساختار سیاسی حکومت، سابقه تاریخی ملت، آرمان سیاسی ناسیونالیستی ملت، رفاداری احزاب سیاسی
۱۰	ژرارد دوسوی (۲۰۱۰)	مولفه‌های فیزیکی، جمعیت، مولفه‌های استراتژیک، نیروهای اجتماعی و اقتصادی، دیپلماسی، مولفه‌های فرهنگی (ایدئولوژیک)
۱۱	مختاری هشی (۲۰۱۱)	هویت و علت وجودی، مرکزگرایی و مرکزگریزی، پراکندگی اقلیت‌ها، موقعیت جغرافیایی، مسائل ارضی و مرزی، سیادت منطقه‌ای، توازن قوا، تنوع فرهنگی، تعلقات تمدنی، تجربه تاریخی، عضویت در سازمان تجارت، سطح توسعه اقتصادی، دسترسی به بازار، عدم هم تکمیلی اقتصادی، نوع نظام سیاسی، انگیزه عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای، پروسه ملت‌سازی عضویت هم زمان در سازمان‌های منطقه‌ای
۱۲	جان مارکوویتز (۲۰۲۰)	قدرت اقتصادی کشورها، مجاورت و نزدیکی جغرافیایی، منافع کشورها

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس بررسی و تحلیل متون

محیط‌شناسی پژوهش

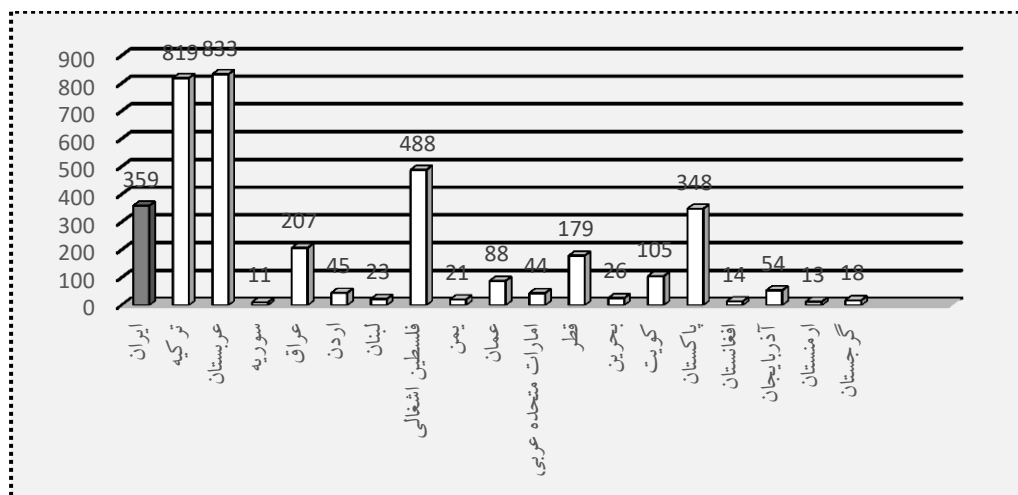
محدوده مورد مطالعه این تحقیق، منطقه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا است. منطقه ژئوپلیتیکی «جنوب غرب آسیا» ۱۹ کشور مستقل را شامل می‌شود که عبارت از ایران، ترکیه، سوریه، عراق، اردن، لبنان، فلسطین اشغالی، عربستان، یمن، عمان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت، پاکستان، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. جنوب غربی آسیا به‌طور تاریخی یکی از کانون‌های عمده پیدایش تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیرین بشر و از محورهای مسیره‌های عمده تبادل فرهنگی، علمی و تجاری بین شرق و غرب عالم بوده است و بیش از ۹۰ درصد مردم کشورهای این منطقه مسلمان هستند. (مازندرانی و جان‌پرور، ۱۳۹۹: ۵۵)



نقشه (۱) نقشه موقعیت جغرافیایی جنوب غرب آسیا به تفکیک کشورها

ترسیم: نگارندگان

از لحاظ منابع، این منطقه سرشار از منابع طبیعی است. حدود ۷۵ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و در حدود یک سوم نفت جهان در این منطقه تولید می‌شود. همچنین حدود یک سوم تولید گاز جهانی در این منطقه انجام می‌گیرد. در نتیجه بهبود محیط سیاسی، ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر، کشورهای منطقه از جریان ورود سرمایه بسیار عظیمی، چه داخلی و چه خارجی از منطقه بهره‌مند شده‌اند. بررسی وضعیت اقتصادی کشورهای در حوزه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که کشورهای عربستان سعودی با ۸۳۳ میلیون دلار، ترکیه با ۸۱۹ میلیون دلار، رژیم صهیونیستی با ۴۸۸ میلیون دلار و جمهوری اسلامی ایران با ۳۵۹ میلیون دلار بالاترین تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۲۱ ثبت کرده‌اند. (World bank, 2023)



شکل (۱) وضعیت تولید ناخالص داخلی کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا در سال ۲۰۲۱ (به میلیون دلار) (World bank, 2023) (ترسیم: نگارندگان)

همان‌طور که در شکل بالا مشاهده می‌کنید در سال ۲۰۲۱ کشورهای سوریه با ۱۱ میلیون دلار، ارمنستان با ۱۳ میلیون دلار، افغانستان با ۱۴ میلیون دلار و همچنین یمن با ۲۱ میلیون دلار پایین‌ترین تولید ناخالص داخلی را در میان کشورهای آسیای جنوب غرب ثبت کرده‌اند (World bank, 2023). همچنین پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که منطقه جنوب غرب آسیا با میانگین رشد اقتصادی ۵ درصد، سهم خود از بازار تجارت جهانی را در سال‌های اخیر از چهار درصد به پنج درصد افزایش داده و دو کشور از این منطقه به باشگاه کشورهای یک میلیارد دلاری در اقتصاد جهان - عربستان و ترکیه - پیوسته‌اند.

بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا

همان‌طور که گفته شد این پژوهش در پی تبیین زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی بین هند و چین در جنوب غرب آسیا با بررسی نظریه‌ها و رویکردهای رقابت و همچنین غربال‌گری شاخص‌ها و مولفه‌ها تاثیرگذار با روش دلفی است. در ادامه این شاخص‌ها در ارتباط با محیط جنوب غرب آسیا و رقابت هند و چین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تنگه‌های استراتژیک

هند و چین به عنوان دو قدرت مهم در قلمرو پیرامونی آسیای جنوب غربی به تنگه‌ها استراتژیک منطقه توجه ویژه‌ای دارند. امروزه یکی از کانون‌های مهم رقابت ژئوپلیتیکی میان کشورها تنگه‌ها و گذرگاه‌های استراتژیک محسوب می‌شوند. در واقع بررسی و مطالعه تنگه‌های بین‌المللی پرداختن به نقش ژئوپلیتیکی و استراتژیک آنها، دارای اهمیت فراوانی است. چون

تنگه‌ها فضاهای توزیع قدرت هستند و در آنجا، رقابت دولت‌ها در استفاده از پتانسیل‌های فضای جغرافیایی برای رسیدن به منافع بیشتر و در نهایت رسیدن به قدرت در روابط بین الملل کاملاً نمایان است. حتی در مواردی، کشورهایی که در پیرامون تنگه‌ها مستقر نیستند، از راه‌های متعدد وارد می‌شوند تا نسبت به کشورهای دیگر از مزایای آن عقب نمانند. به عبارتی، نوعی کشمکش و رقابت بر سر استفاده بیشتر از تنگه‌های بین المللی، بین کشورها به‌ویژه کشورهای حاشیه تنگه وجود دارد. بنابراین، تنگه‌های استراتژیک در قدرت ملل و سرنوشت آن‌ها و نیز سیاست خارجی کشورهای ساحلی و همچنین، موازنه قدرت منطقه‌ای و جهانی نقش تعیین کننده‌ای دارند. در حال حاضر مهم‌ترین تنگه‌ها و گذرگاه‌های استراتژیک در منطقه آسیای جنوب غربی که در رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور هند و چین تاثیر گذار هستند عبارتند از هرمز، تیران، بسفر، داردانل، باب‌المندب و زنگه‌زور. دو کشوربخش قابل توجهی از منابع انرژی مورد نیاز خود و همچنین مبادلات تجاری را در این گذرگاه‌های استراتژیک انجام داده و سعی می‌کنند که کنش ژئوپلیتیکی مناسبی در ارتباط با گذرگاه‌ها در جنوب غرب آسیا داشته باشند. نقش این گذرگاه‌ها در استراتژی «رشته مروارید» نمایان است. این استراتژی که یک استراتژی ژئوپلیتیکی محسوب می‌گردد به شبکه‌ای از امکانات تجاری و نظامی چین در امتداد خطوط دریایی چین تا کشور سودان مربوط می‌شود. این خطوط دریایی چند نقطه مهم دریایی نظیر تنگه هرمز، تنگه باب‌المندب، تنگه مالاکا و سایر نقاط اصلی دریایی یعنی بنگلادش، پاکستان و غیره را به هم متصل می‌کند. بسیاری از اندیشمندان و دولت مردان وجود استراتژی رشته مروارید چین را به همراه سایر پروژه‌ها نظیر ابتکار کمربند راه را خطری برای استقلال و تمامیت ارضی هند می‌دانند.

موقعیت‌های استراتژیک

از جمله دیگر زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیک رقابت بر سر مکان‌های استراتژیک موجود در آسیای جنوب غربی است. در مورد مکان‌های استراتژیک برای مثال رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور بر سر بندر چابهار و گوادر در قالب کریدور اقتصادی چین - پاکستان و همکاری سه جانبه هند - ایران و افغانستان مشاهده می‌گردد. (Mehtar, 2017: 234) در این رابطه باید گفت که کریدور چین و پاکستان شامل طرح‌های خرد و کلان متعددی است که در سه زیرمجموعه انرژی، زیرساخت‌ها و توسعه بندر گوادر صورت می‌گیرد. همچنین طرح گوادر در قالب کریدور اقتصادی چین- پاکستان و در سطحی گسترده‌تر در قالب جاده ابریشم چین قابل تبیین است. کریدور اقتصادی چین - پاکستان یکی از طرح‌های زیرمجموع جاده ابریشم چین محسوب می‌شود که در سال‌های اخیر بیشترین پیشرفت را داشت و بالاترین سرمایه‌گذاری به آن

اختصاص داده شده است. دلایل این سرمایه‌گذاری و پیشرفت کریدور اقتصادی چین-پاکستان عمدتاً به ائتلاف دو کشور مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر، پاکستان بیش از سایر کشورها به سرمایه‌گذاری چینی‌ها و مشارکت در جاده ابریشم اشتیاق نشان داده است. (Dawn, 2017) باید گفت که، پروژه‌های زیرساختی کریدور چین-پاکستان عمدتاً معطوف به توسعه بندر گوادر به عنوان یک منطقه تجاری-صنعتی و اتصال این بندر با سایر شهرهای کلیدی پاکستان و به طور فرعی به سین کیانگ و به طور خاص با کاشغر چین است. در این راستا پروژه‌های ذیل در این طرح مورد توجه قرارگرفت است: پروژه موج شکن و لایروبی بندر گوادر، بزرگراه خلیج شرقی بندر گوادر، فرودگاه بین‌المللی جدید گوادر، توسعه زیرساخت‌های منطقه آزاد گوادر (توحیدی و طباطبائی، ۱۳۹۷). در نقطه مقابل هندی‌ها تلاش کرده‌اند که به حضور در بندر چابهار و سرمایه‌گذاری در آن اقدام کنند. سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری هندی‌ها در چابهار که بخشی از آن محقق شده است. در مقابل سرمایه‌گذاری چینی‌ها در گوادر بسیار فراتر از سرمایه‌گذاری هندی‌ها در چابهار بوده است (Conrad, 2017: 58). دیگر فرضیه مطرح درباره رقابت چابهار و گوادر، معطوف با کریدورهای ترانزیتی است که احتمالاً به این دو بندر متصل می‌شود؛ به عبارتی دیگر، اینکه کدام یک از این دو در رقابت بر سر کریدور شمال-جنوب و اتصال افغانستان و آسیای مرکزی با آب‌های آزاد، گوی رقابت را از دیگری خواهند ربود، به دغدغه‌ای مهم تبدیل شده است. علاوه بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور بر سر چابهار و گوادر، راس خلیج فارس، بندر اسکندرون، خلیج عدن و حدفاصل عربستان و یمن و جزیره پریم نیز از جمله دیگر موقعیت‌های استراتژیک مورد نظر هند و چین در آسیای جنوب غرب محسوب می‌شوند.

موقعیت‌های ارتباطی

منطقه آسیای جنوب غرب آبستن حوادث ژئوپلیتیکی بسیار زیادی بوده است. مهم‌ترین دلایل این موضوع در دو بعد وجود منابع انرژی موجود در منطقه و همچنین موقعیت مناسب این منطقه به خصوص موقعیت ارتباطی است. وجود قلمروهای دریایی نظیر دریای عرب، دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، دریای سیاه، دریای مدیترانه و دریای مرمه باعث شده که کشورهای با وزن ژئوپلیتیکی بالا به این مهم توجه ویژه‌ای داشته باشند. در این میان دو کشور هند و چین نیز در راستای کسب منافع و دستیابی به اهداف خود در آسیای جنوب غربی به موقعیت‌های ارتباطی توجه ویژه‌ای دارند. موقعیت‌های ارتباطی مهم در رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور خلیج فارس، دریای خزر و دریای عرب بوده است. در مورد دریای خزر باید گفت که چین کنش ژئوپلیتیکی مناسب‌تری نسبت به هند داشته است و سعی کرده که پس از حادثه یازده

سپتامبر و هم‌زمان با ورود آمریکا با کشورهای مجاور این دریا به خصوص روسیه و قزاقستان قراردادهای مختلفی را منعقد کند. مهم‌ترین این قراردادها، قرارداد انتقال منابع انرژی قزاقستان به چین از طریق خط لوله است. این خط لوله حدود ۳۰۰۰ کیلومتر طول دارد و در سال ۲۰۱۱ تکمیل گردید و به بهره‌برداری رسید. (Xuanli, 2021: 62) همچنین چین با ترکمنستان که در مجاورت دریای خزر قرار دارد در سال ۱۹۹۶، توافقنامه‌ای به ارزش ۱۲ میلیارد دلار در راستای انتقال منابع انرژی از دریای خزر و احداث خط لوله امضا کرده است. (Lan And Paik, 1998, 112-113) اما مهم‌ترین موقعیت ارتباطی مورد رقابت دو کشور خلیج فارس است. هر دو کشور بخش قابل توجهی از منابع انرژی مورد نیاز خود را از این دریا تامین می‌کنند. عربستان، امارات، ایران و عراق کشورهای اصلی تامین کننده نفت دو کشور هستند. (Worldbank, 2023) و همین مسئله خلیج فارس را در کانون رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور قرار داده است. در مورد دریای عمان نیز دو بندر چابهار در ایران و بندر گوادر پاکستان با توجه به موقعیت ارتباطی مناسب در استراتژی‌های ژئوپلیتیکی هر دو کشور قرار دارد و به خصوص چین سرمایه‌گذاری‌های کلانی در گوادر انجام داده است.

خطوط انتقال منابع معدنی

یکی دیگر از زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در زمینه ژئوپلیتیک دسترسی و رقابت بر خطوط انتقال منابع معدنی قرار دارد. باید گفت که هند بواسطه جمعیت بسیار زیاد خود که علی‌رغم تولید ناخالص داخلی مطلوب این کشور همچنان بخش قابل توجهی از این کشور در فقر زندگی می‌کنند و همچنین شکاف بسیار زیادی که با رقیب بالفعل یعنی چین وجود دارد (بدین صورت که بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ درآمد سرانه چین پنج برابر هند است) سعی کرده به سمت همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی با کشورهای آسیای جنوب غربی اقدام کند و در این راستا تلاش کرده که در خطوط انتقال منابع انرژی موجود در منطقه کنش ژئوپلیتیکی مطلوبی داشته باشد. در این مورد می‌توان به دو خط لوله^۳ IPI و^۴ TAPI اشاره کرد. یکی از نخستین اقدامات هند در این زمینه خط لوله گازی موسوم به خط لوله صلح بوده است که از میدان پارس جنوبی به پاکستان و از آنجا به هند منتقل می‌گردید و حدود ۲۷۷۵ کیلومتر طول آن بوده است که البته چندان موفقیت آمیز نبوده است. در این رابطه باید گفت که چین در مورد نواحی غربی کشور که از نظر اقتصادی نسبت به سایر مناطق چین توسعه نیافته محسوب می‌شوند نگران است و هم‌زمان با چالش‌های متعددی نظیر مسئله

3 Iran – Pakistan – India (Peace) Pipeline (IPI)

4 Turkmenistan-Afghanistan-Pakistan-India (Trans Afghan) Pipeline (TAPI)

جدایی‌طلبی، هویت‌خواهی و نفوذ رو به گسترش اسلام سیاسی مواجه است (Jaschock, 2009). یکی از راهبردهای چین برای تسریع ادغام این مناطق در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور تلاش برای ایجاد یک کریدور اقتصادی از طریق بندر گوادر پاکستان است که هم تسهیل‌کننده ارتباطات اقتصادی است و هم زمینه را برای نفوذ چین در ماورای مرزهای غربی هند فراهم کند (Degong, 2020). این امر را می‌توان در چهارچوب مفهوم ژئوپلیتیک دسترسی در حوزه‌های اقتصاد و انرژی تحلیل کرد. امری که در نهایت انتفاع سه کشور چین، افغانستان و پاکستان را به همراه دارد و تأمین‌کننده منافع بلندمدت این کشورها است و البته باعث نزدیکی این کشورها از نظر امنیتی، نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌شود. نفوذ چین در سواحل جنوبی پاکستان باعث می‌گردد که از نظر استراتژیک دو رقیب عمده هند، تسلط بالایی بر مسیر انتقال انرژی از خلیج فارس به جنوب آسیا داشته باشند و همین مسئله از نظر هند به‌عنوان یک تهدید فزاینده در حوزه ژئوپلیتیک انرژی و امنیت ملی نگریسته می‌شود؛ چراکه باعث می‌گردد دسترسی هند به یکی از کانون‌های مهم انرژی جهان که واردات انرژی از آن برای هر سه کشور هند، چین و پاکستان بسیار مقرون به‌صرفه و حیاتی است؛ تنها در سایه تهدیدات چین و پاکستان میسر شود (بدیعی ازندهی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۵۶).

علاوه بر بر دالان اقتصادی چین - پاکستان، ابتکار جاده - کمربند، کریدور شمال - جنوب، راه‌آهن خلیج فارس - حیفا، دالان شیعی، راه ابریشم عربی، خط لوله تاپی، دالان لاجورد، کریدور عرب - مد و دالان زنگه‌زور مهم‌ترین مولفه‌های تاثیر گذار بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در زمینه ژئوپلیتیک دسترسی و خطوط انتقال منابع معدنی هستند.

راه‌های مواصلاتی دریایی

مورد دیگر در حوزه رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور مربوط به قلمروهای دریایی و راه‌های مواصلاتی دریایی در آسیای جنوب غرب می‌باشد. از جمله این می‌توان به رقابت دو کشور بر سر ابتکار کمربند - راه چین اشاره کرد. نگاه هند به این ایده کاملاً بدبینانه است و سیاست‌مداران هندی معتقد هستند که این ایده منجر به برتری چین و نفوذ ژئوپلیتیکی بر مناطق آسیای جنوبی و آسیای جنوب غرب خواهد شد. در ابتدای پروژه یک کمربند - یک راه، زمینه‌های همکاری میان دو کشور فراهم شد. کریدور چهارجانبه «چین میانمار بنگلادش هند»، که از شهرگون مینگ در استان یون ان چین آغاز و به کلکته در هند ختم خواهد شد، یکی از این طرح‌ها در قالب این ابتکار بوده است. اما با روی کار آمدن دولت مودی در هندوستان، همکاری در قالب این طرح با توجه به نگاه بدبینانه هند به ایده کمربند راه، با کندی انجام می‌شود. باید گفت که هر دو بخش خشکی و دریایی پروژه یک کمربند یک راه چین از کشورهای آسیای جنوب غرب

عبور می‌کند و موفقیت آن بشدت به تعامل ژئوپلیتیکی چین با کشورهای آسیای جنوب غرب وابسته است. فلینت ژئوپلیتیسین معروف آمریکایی معتقد است که ابتکار یک کمربند یک جاده چین منجر به نفوذ چین در حوزه جنوب، جنوب شرق و جنوب غرب آسیا می‌شود و این امر پیامدهای ژئوپلیتیکی بسیار زیادی را برای دیگر بازیگران کلیدی این مناطق از جمله هند و آمریکا ایجاد می‌کند و این ایده ابزاری برای تغییر در جغرافیای سیاسی و اقتصادی در کل قاره آسیا محسوب می‌شود. (Flint and Zhu, 2019: 97) باید گفت که بخش مهمی از این طرح از طریق گیل گیت – بالتیستان عبور می‌کند که بخشی از کشمیر است که در پاکستان قرار دارد. این سرزمین را هند متعلق به خود می‌داند. از این‌رو هندوستان از حضور در همایش یک کمربند یک جاده که در سال ۲۰۱۷ در پکن برگزار شد، خوداری کرد. دلیل اصلی آن نگرانی‌های هند درباره تمامیت ارضی خود در کشمیر است. علاوه بر این پروژه وجود قلمروهای دریایی دیگر نظیر دریای خزر، خلیج فارس و پل یمن-جیبوتی هم از دیگر راه‌های مواصلاتی مورد رقابت هند و چین در آسیای جنوب غربی است.

انرژی (نفت و گاز)

می‌توان گفت یکی از کانون‌های مهم ژئواکونومیک جهان از بعد انرژی به خصوص در بعد نفت و گاز در جهان منطقه جنوب غرب آسیا محسوب می‌گردد. در این راستا دو کشور هند و چین در راستای توسعه اقتصادی که در حال حاضر هر دو کشور جزو ده اقتصاد برتر دنیا در سال ۲۰۲۳ محسوب می‌گردند وابسته به منابع نفت و گاز موجود در منطقه آسیای جنوب غرب هستند. در این راستا مهم‌ترین زمینه‌های تاثیرگذار بر رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در بعد انرژی عبارتند از بیضی استراتژیک انرژی، وابستگی هند به نفت منطقه، وابستگی چین به نفت منطقه، وابستگی هند به گاز منطقه، وابستگی چین به گاز منطقه، خطوط انتقال نفت و گاز، دارا بودن ۱/۲ ذخایر نفت جهان و دارا بودن ۱/۳ ذخایر گاز جهان. در این رابطه بررسی کشورهای تامین کننده نفت دو کشور هند و چین در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که هر دو کشور بخش قابل توجهی از نفت خود را از کشورهای آسیای جنوب غرب تامین می‌کنند. در ادامه در جدول زیر کشورهای اصلی تامین کننده نفت دو کشور آمده است.

جدول (۲) کشورهای اصلی تامین کننده نفت هند و چین در سال ۲۰۲۰

کشور هند				کشور چین			
شماره	کشور	درصد	ارزش (میلیارد دلار)	شماره	کشور	درصد	ارزش (میلیارد دلار)
۱	عربستان سعودی	۸.۱۶	۱.۴۰	۱	عراق	۳.۲۵	۲۳
۲	روسیه	۳.۱۵	۵.۳۶	۲	عربستان سعودی	۳.۲۲	۲.۲۱

کشور چین				کشور هند			
۳	عراق	۹.۹	۷.۲۳	۳	ایران	۱.۱۵	۱۳
۴	آنگولا	۵.۹	۷.۲۲	۴	نیجریه	۴.۹	۶.۹
۵	برزیل	۸.۷	۵.۱۸	۵	امارات متحده عربی	۹.۸	۹.۸
۶	عمان	۹.۶	۴.۱۶	۶	ونزوئلا	۵.۷	۴.۷
۷	کویت	۵.۴	۸.۱۰	۷	کویت	۱.۶	۷.۵
۸	امارات متحده عربی	۳	۳.۷	۸	مکزیک	۱.۴	۷.۳
۹	ایران	۳	۱.۷	۹	آنگولا	۸.۳	۴.۳
۱۰	بریتانیا	۷.۲	۳.۶	۱۰	آمریکا	۱.۳	۸.۲

Source: Worcman, 2020

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد از ده کشور اصلی تامین کننده نفت چین ۶ کشور عربستان، عراق، عمان، کویت، امارات و ایران در منطقه آسیای جنوب غربی قرار دارند و کشور چین ۴۴ درصد از منابع نفتی مورد نیاز خود را از این ۶ کشور تامین کرده است. در نقطه مقابل برای هند نیز ۵ کشور عراق، عربستان، ایران، امارات و کویت جزو ده کشور اصلی تامین کننده نفت این کشور محسوب می‌شوند و هند بالغ بر ۷۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از این کشورها تامین کرده است که نشان دهنده رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور بر سر منابع نفت موجود در منطقه است. این رقابت بر سر گاز منطقه نیز وجود دارد.

منافع تجارت پایدار

آسیای جنوب غربی یک حوزه ژئوپلیتیکی بسیار مهم برای هند و چین در راستای تامین منافع تجاری دو کشور قرار دارد. از یک سو این منطقه منبع مهم تامین کننده منابع معدنی مورد نیاز این دو کشور است و از سوی دیگر منطقه بسیار مهمی از حیث تجارت و فروش کالا محسوب می‌شود. در واقع، وجود بازار مصرف ۵۰۰ میلیون نفری، تامین انرژی از طریق این منطقه، تامین مواد اولیه، تهیه منابع تولید کشورهای منطقه، نقش موثر در معماری اقتصادی منطقه توسط دو کشور منجر به رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه شده است. بررسی داده‌های اقتصادی در سال ۲۰۲۲ تایید کننده این موضوع است. بدین صورت که حجم صادرات چین به ده کشور آسیای جنوب غرب که چین بیشترین میزان صادرات به این کشورها را داشته بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ بوده است و این رقم برای هند بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار بوده است. در ادامه در جدول زیر ۱۰ کشور اول مقصد صادراتی هند و چین در آسیای جنوب غرب آمده است.

جدول (۳) ده مقصد اول صادرات هند و چین در جنوب غرب آسیا

هند			چین		
ارزش (میلیارد دلار)	کشور	شماره	ارزش (میلیارد دلار)	کشور	شماره
۳.۳۱	امارات متحده عربی	۱	۸.۵۳	امارات متحده عربی	۱
۱۵.۱۰	عربستان سعودی	۲	۹.۳۷	عربستان سعودی	۲
۰۱.۱۰	ترکیه	۳	۰۳.۳۴	ترکیه	۳
۵.۷	رژیم صهیونیستی	۴	۰۹.۲۳	پاکستان	۴
۷.۴	عمان	۵	۴.۱۶	رژیم صهیونیستی	۵
۴.۲	عراق	۶	۹.۱۳	عراق	۶
۹۹.۱	قطر	۷	۴.۹	ایران	۷
۸۴.۱	اردن	۸	۷.۵	اردن	۸
۸۴.۱	ایران	۹	۹۷.۴	کویت	۹
۵۰.۱	کویت	۱۰	۲.۴	عمان	۱۰

Source: Worldeconomic, 2022

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی، ترکیه، رژیم صهیونیستی، عراق، ایران، کویت، عمان و اردن به عنوان کشورهای اصلی آسیای جنوب غرب در صحنه رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در آسیای جنوب غربی قرار دارند و هر دو کشور تلاش می‌کنند به افزایش فرصت‌ها و مزیت‌های ژئوپلیتیکی خود در این منطقه اقدام کنند.

دسترسی به راه‌های تجاری

رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در راستای دسترسی به راه‌های تجاری در قالب مفهوم ژئوپلیتیک دسترسی مطرح می‌گردد. مهم‌ترین زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در این زمینه عبارتند از وابستگی هند به ایران برای دسترسی به افغانستان، روسیه، آسیای میانه و قفقاز، عبور دالان شمالی و دالان جنوبی راه ابریشم چین از کشورهای آسیای مرکزی. در این مورد باید گفت چین نگران مناطق غربی کشور خود است که نسبت به سایر مناطق از لحاظ اقتصادی کم‌تر توسعه یافته محسوب می‌شود و هم با چالش‌های ژئوپلیتیکی نظیر هویت‌خواهی، جدایی طلبی و نفوذ اسلام در این منطقه مواجه است. بنابراین یکی از راهبردهای چین رشد و گسترش روابط ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و استفاده از ظرفیت راه‌های تجاری این کشورها است که این امر منجر به نزدیکی این سه کشور می‌شود و در نقطه مقابل برای هند تهدید محسوب می‌شود چرا که منجر به کاهش دسترسی هند به یکی از مهم‌ترین کانون‌های انرژی جهان می‌گردد که واردات انرژی جهان از آن برای هر سه کشور چین و افغانستان و پاکستان مقرون به صرفه است و تنها در سایه تهدیدات چین و پاکستان میسر است. منطقه قفقاز و آسیای مرکزی نیز با توجه به وجود منابع انرژی و همچنین بازار مناسب از بعد تجاری

برای دو کشور هند و چین مهم است. این مهم برای چین دارای اهمیت بیشتری است چرا که چین با کشورهای این منطقه ۳۳۰۰ کیلومتر مرزهای مشترک دارد و همچنین نزدیکی این کشورها به چین و وجود منابع انرژی، امکان انتقال منابع انرژی از این کشورها را به سمت چین فراهم می‌کند. (Xunali, 2021: 62) راه‌های تجاری موجود در جنوب غرب آسیا امکان دسترسی هند و چین را به اروپا و آفریقا فراهم می‌کند. در حال حاضر مسیرهای تجاری موجود در کریدور شمال - جنوب، یک کمربند و یک جاده و همچنین قرارداد بزرگ و اتصال هند به اروپا از طریق رژیم صهیونیستی و بندر حیفا از طریق کشورهای آسیای جنوب غرب امکان‌پذیر است. علاوه بر تلاش دو کشور در راستای دسترسی به اروپا باید گفت که هند و چین هر دو در آفریقا در حال رشد هستند، زیرا آنها سعی می‌کنند خود را با داستان رشد این قاره همسو کنند و تنها راه دسترسی آن‌ها از کشورهای آسیای جنوب غرب امکان‌پذیر است و هر دو کشور به طور فزاینده‌ای از نظر ژئوپلیتیک با یکدیگر رقابت می‌کنند. مهم‌ترین تلاش‌های هند اجلاس مجمع هند و آفریقا است که به نهادینه‌سازی و رسمیت بخشیدن به روابط هند با شرکای آفریقایی خود کمک کرده است. تا به امروز، این پلتفرم سه اجلاس داشته است (در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵)، که زمینه‌هایی را برای تعامل سازنده هند و کشورهای آفریقایی فراهم کرده است. تلاش چین در راستای اتصال به بازار شمال آفریقا و دسترسی به این سرزمین فقط از طریق کشورهای آسیای جنوب غربی امکان‌پذیر است. اهمیت آفریقا بدین سبب است که بازار بکر دست نخورده‌ای دارد و بر اساس پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۵۰ یک چهارم جمعیت دنیا در آفریقا زندگی می‌کنند و همچنین در حال حاضر چین بزرگترین سرمایه‌گذار در این منطقه محسوب می‌شود. در این راستا مسیرهای قابل دسترس یا بواسطه ایران و مسیر ایران، عراق، عربستان و آفریقا است که این محور مورد تایید غرب نیست. تلاش غرب و ترکیه عبور چین از دالان زنگه‌زور و محور تورانی است که از این طریق امکان نظارت ناتو و ترکیه بر چین فراهم می‌شود. این مسیر چین را از طریق آسیای مرکزی و قفقاز به ترکیه و دریای مدیترانه و سپس به آفریقا می‌رساند.

قدرت نظامی

اختلافات سرزمینی موجود بین هند و چین، وجود مسلمانان موجود در استان سین کیانگ، اسلام‌گرایی و گروه‌های تکفیری و تروریستی موجود در منطقه، مساله تسلیحات هسته‌ای موجود در دو کشور منجر به رقابت نظامی دو کشور در منطقه آسیای جنوبی به صورت اعم و آسیای جنوب غربی به صورت اخص شده است. مهم‌ترین ابعاد رقابت دو کشور در بعد نظامی عبارتند از رقابت تسلیحاتی، رقابت در حوزه ناوهای هواپیمابر، دکترین دریایی تهاجمی،

قدرت‌افکنی چین، توان اتمی هند، پاکستان و چین، قدرت افکنی هند، تخصیص بودجه نظامی هنگفت برای دو کشور قرار دارد. بر همین اساس در استراتژی چین، استیلای نظامی بر جنوب آسیا جایگاه ویژه‌ای دارد (e. g. Ihan, 2020; Singh, 2016). چین پس از کسب قدرت اقتصادی، افزایش قدرت نظامی را در اولویت خود قرار داده است. در این راستا، چین در حوزه امنیتی، طرح‌های متفاوتی را برای گسترش نفوذ خود از راه بستن توافقات نظامی، دفاعی و امنیتی و همچنین انجام مانورهای مشترک نظامی با کشورهای منطقه را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. باید گفت چین اتحاد نظامی و دفاعی به صورت رسمی را با هیچ‌کدام از کشورهای موجود در آسیا را بر علیه کشور هند اعلام نکرده است اما تمریناتی که به صورت مشترک بین چین و پاکستان در مرزهای شمالی هند انجام شده است، منجر به نگرانی دهلی نو شده است. در این راستا دولت هند در راستای موازنه قوا به برقراری روابط و پیوندهای دوستی با همسایگان کوچکتر با تامین نیازهای اقتصادی آنها اقدام کرده است. از آنجا که هند فاقد ظرفیت مادی برای درگیر شدن در یک بازی با مجموع صفر با چین در جنوب آسیا است، به نظر می‌رسد استفاده از دیپلماسی قدرت نرم برای تاثیرگذاری بر همسایگان راهبرد درستی باشد. (کریمی، ۱۴۰۱) علاوه بر این باید بر وجود بازار مناسب فروش تسلیحات در منطقه آسیای جنوب غربی اشاره کرد. بر اساس آخرین آمار موجود در سال ۲۰۲۳ دو کشور هند و چین در ردیف کشورهای اصلی فروش تسلیحات در میان کشورهای قاره آسیا قرار دارند بدین ترتیب که چین، هند، اندونزی، رژیم صهیونیستی، ژاپن، اردن، کره جنوبی و امارات فروشندگان اصلی تسلیحات در قاره آسیا محسوب می‌شوند. (Tradingeconomic, 2023) همچنین باید گفت که منطقه آسیای جنوب غرب طی پنج سال گذشته حدود سه درصد رشد خرید تسلیحاتی نسبت به سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ را تجربه کرده است، در حالی که رشد خرید تسلیحات در این منطقه طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۲ نسبت به پنج سال قبل از آن ۸۶ درصد بود.

معاهدات دفاعی

از دیگر ابعاد رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در بعد دفاعی معاهدات دفاعی دو کشور می‌باشد. در این رابطه هم‌پیمانی استراتژیک چین با روسیه و پاکستان منجر به هم‌پیمانی هند با آمریکا، ژاپن و استرالیا (کواد) شده است. از جمله این معاهدات می‌توان به توافق‌نامه اطلاعات نظامی - امنیتی هند و آمریکا در سال ۲۰۰۲ و سپس توافق‌نامه دفاعی جدید در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد. دو کشور همچنین موافقتنامه پشتیبانی لجستیکی یا توافق‌نامه خرید و سرویس‌دهی متقابل را در سال ۲۰۱۶ به توافق نهایی رساندند. هدف اصلی این موافقت‌نامه‌ها، توانایی استقرار نیروهای

نظامی، اشتراک پشتیبانی لجستیکی، فراهم آوردن الزامات پیش‌بینی نشده مناسب است که ممکن است در نبرد یا ماموریت‌های پیش‌بینی نشده به وجود آیند. (Rosen & Jackson, 2017: 7) برای جلوگیری از استیلای چین بر اقیانوس هند، محور هند، آمریکا و ژاپن از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد شکل گرفت. ژاپن با پشتیبانی از حضور برتر نیروی دریایی ایالات متحده به طرز چشمگیری در حفظ رهبری ایالات متحده در شرق آسیا نقش داشته است. (هادیان جزی و بازوند، ۱۴۰۰) با توجه اینکه مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی و امنیتی هند در مقابل چین، ایجاد بازدارندگی کارآمد و متعارف در مقابل چین، قطع رابطه حمایت‌آمیز چین از پاکستان و جلوگیری از استیلای چین بر اقیانوس هند هستند. این قراردادهای نظامی بین هند و آمریکا در جهت رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور و همچنین موازنه «پکن - دهلی‌نو» تحلیل می‌شوند. نزدیکی بیش از پیش چین و پاکستان و شکل‌گیری این محور، نیاز هند به یک متحد استراتژیک برای موازنه‌دهی در مقابل این محور را به یک الزام برای هند تبدیل کرده است. ایالات متحده با توجه منافع که در جنوب و جنوب شرق و جنوب غرب آسیا دارد کشوری است که توانایی آن را دارد که در این نبرد استراتژیک، کفه ترازو را به نفع هند تغییر دهد.

نفوذ منطقه‌ای

هند و چین هر دو کشورهایی هستند که تحت تاثیر رهیافت ژئوپلیتیک همسایگی سعی می‌کنند در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا نفوذ کرده و به اهداف و منافع مد نظر خود دست پیدا کنند. در این راستا طی سال‌های اخیر نفوذ چین در افغانستان و پاکستان و همچنین تلاش برای همکاری استراتژیک بلند مدت با کشورهای منطقه خلیج فارس کاملاً مشاهده می‌شود. در مورد افغانستان باید گفت که روابط چین با این کشور در چهار بعد اقتصادی، امنیتی و نظامی و سیاسی قرار دارد. به گونه‌ای که حجم مناسبات تجاری بین دو کشور در دهه گذشته از ۲۵ میلیون به ۲۵۰ میلیون دلار رسیده است و چین شریک اقتصادی اول افغانستان محسوب می‌شود (World bank, 2020). در بعد امنیتی و نظامی نیز روابط دو کشور بعد از سال ۲۰۱۴ وارد فصل جدیدی شده است و علاوه بر همکاری‌های امنیتی، چین برای نخستین بار کمک نظامی به افغانستان را اعلام کرد. در ارتباط با پاکستان نیز تقویت روابط اقتصادی، اهمیت بندر گوادر، همکاری نظامی و امنیتی و گسترش روابط سیاسی نیز از جمله ابعاد روابط چین با پاکستان محسوب می‌شود. در این ارتباط می‌توان به اهمیت گوادر در پروژه یک جاده یک راه چین، بزرگراه قره‌قروم به طول ۱۳۰۰ کیلومتر از کاشغر در چین به اسلام‌آباد در پاکستان اشاره کرد. در بعد نظامی و امنیتی نیز روابط دو کشور هند و چین از یک سو در راستای مقابله با تروریسم و از سوی دیگر مقابله با یک تهدید مشترک به نام هند قابل

توجیه است. در این راستا چین پس از مرگ بن لادن، ۵۰ جت جنگی را به پاکستان گسیل کرد و در ادامه به دولت پاکستان برای ساخت ناو جنگی کمک کرد و همچنین در سال ۲۰۱۱ در راستای راه‌اندازی یک ماهواره اطلاعاتی به پاکستان کمک زیادی کرد. توجیه چین در این راستا، افزایش امنیت مرزهای چین بوده است (Kabraji, 2012: 8-9).

در نقطه مقابل هند به دلیل رقابت ژئوپلیتیکی با چین در حوزه‌های پیرامونی، از نفوذ چین در کشورها بیشترین تاثیر را می‌پذیرد. در این راستا دهلی نو تلاش می‌کند در راستای برقراری موازنه تهدید در برابر نفوذ ژئوپلیتیکی چین، علاوه بر شرق نگاه به غرب، نگاه به شمال و روابط با آمریکا را در دستور کار خود قرار دهد. در این راستا برقراری روابط با کشورهای جنوب غرب آسیا در دستور کار این کشور قرار گرفته است. باید گفت که کشورهای حوزه خلیج فارس نظیر ایران، عربستان، امارات و عمان تامین کننده اصلی نفت کشور هند هستند. هندی‌ها از یک سو سرمایه‌گذاری در بندر چابهار ایران را در اولویت خود قرار دادند و از سوی دیگر، در سال ۲۰۱۸، نماینده عمان در دیدار با دولت‌مردان هند، استفاده نظامی و لجستیکی هندی‌ها از بندر استراتژیک الدقم را ایجاد کرد. این بندر در راستای حفاظت از کشتی‌ها و همچنین سوخت‌گیری و حضور موثر هند در اقیانوس هند بسیار حائز اهمیت است. اهمیت این بندر برای هندی‌ها علاوه بر بعد نظامی، دارای اهمیت سیاسی نیز می‌باشد (Panda, 2018). علاوه بر این باید به روابط رژیم صهیونیستی با هند هم اشاره کرد. رژیم صهیونیستی تامین‌کننده تسلیحات هند است و پس از آمریکا و روسیه سومین صادرکننده تسلیحات به هند محسوب می‌شود. علاوه بر همکاری در بعد دفاعی و نظامی، همکاری‌های اقتصادی و سیاسی نیز بین رژیم صهیونیستی و هند وجود دارد. علاوه بر این همکاری هند با کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی هم وجود دارد. باید به همکاری هند با ایران هم اشاره کرد، تفاهم‌نامه تحت عنوان «نقشه راه همکاری‌های استراتژیک» بین دو کشور امضا شده است. با این وجود روابط دو کشور همواره تحت تاثیر روابط با آمریکا بوده است و تا پیش از تحریم‌های هسته‌ای آمریکا بر علیه ایران، روابط دو کشور بیشتر بوده است. با این وجود روابط دو کشور در برخی زمینه‌ها همچنان وجود دارد. برای مثال هند در بودجه سال ۲۰۱۹ خود ۵.۱ میلیارد دلار را برای توسعه بندر چابهار در نظر گرفت (Tehran time, 2019). اگر چه توافق ایران و چین تحت عنوان توافق ۲۵ ساله می‌تواند سرمایه‌گذاری هند در چابهار را تحت الشعاع قرار دهد، اما هند نسبت به نقش آفرینی رقبای خود به خصوص چین و افغانستان در ایران نگران است. در مجموع آسیای جنوب غرب به عنوان یک منطقه استراتژیک، صحنه رقابت هند و چین در راستای نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه است.

عمق استراتژیک

«عمق راهبردی» یا «عمق استراتژیک» مفهومی است که روابط بین‌الملل از علوم نظامی وام گرفته است. این مفهوم در امور دفاعی به سرزمینی اطلاق می‌شود که بین مراکز اصلی تجمع ادوات و پرسنل نظامی دشمن و مراکز حساس و حیاتی خودی قرار دارد. به همین ترتیب، در سطوح فراملی نیز هرچه عمق راهبردی یک کشور (قرارداشتن کشورهای دوست در برابر دشمنان فرضی به‌عنوان حائل) بیشتر باشد، فضا و امکان دفاع بیشتر خواهد بود. با این تفاسیر کشورهای آسیای جنوب غربی به خصوص کشورهای افغانستان، پاکستان، ایران و کشورهای منطقه خلیج فارس در عمق استراتژیک دو کشور هند و چین قرار دارند. در این ارتباط باید گفت که موازنه قدرت نفوذ دو کشور هند و چین در منطقه جنوب غرب آسیا، ایفای نقش موثر در مناسبات امنیتی و اقتصادی منطقه نظیر شانگهای و بریکس، اطمینان از دسترسی به منابع استراتژیک نظیر نفت و استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیک دسترسی منطقه به قفقاز و شرق اروپا توسط دو کشور هند و چین در راستای افزایش عمق استراتژیک در منطقه آسیای جنوب غرب است. دلیل اصلی تلاش دو کشور در راستای داشتن عمق استراتژیک مناسب، مناقشات مرزی بین دو کشور و همچنین وجود مسلمانان سن کیانگ در چین و نگرانی این کشور از استقلال طلبی آن‌ها و اختلافات سرزمینی هند و پاکستان بر سر جامو و کشمیر و مناسبات نزدیک چین با این کشور و افغانستان است. در مورد مناقشات مرزی دو کشور باید گفت که این مناقشات همچنان لاینحل باقی مانده است. به عبارت دیگر از سال ۲۰۰۳، که دو کشور نماینده‌ای در راستای یافتن یک چارچوب مناسب برای حل و فصل اختلافات مرزی مشخص کرده‌اند تا کنون ۱۹ بار مذاکره انجام شده که آخرین آن در سال ۲۰۱۶ بوده، لیکن نتیجه مشخصی حاصل نشده است. همچنین اختلافات مرزی که در دو منطقه جامو و کشمیر بین دو کشور معروف به آکسای چین و آرونچال پرداش هند وجود داشته و منجر به جنگ در سال ۱۹۶۲ شده است از ژوئن ۲۰۱۷ مجدد منجر به تنش در روابط دو کشور و رقابت ژئوپلیتیکی آن‌ها شده است. اختلافات مرزی و سرزمینی منجر شده است که دو کشور در راستای افزایش عمق استراتژیک در شرق و همچنین در غرب اقدام کنند که کشورهای آسیای جنوب غربی نیز در این حوزه قرار دارند. افزایش نقش چین در پاکستان و افغانستان نیز در این قالب قرار می‌گیرد. اهداف ژئوپلیتیکی چین از مناسبات با پاکستان و افغانستان در راستای ایجاد یک منطقه حائل در اطراف چین و همچنین جلوگیری و کاهش فعالیت‌های تروریستی در استان سین کیانگ است. همچنین باید به مشارکت نظامی و استراتژیک چین با پاکستان هم اشاره کرد. بدین ترتیب چین می‌تواند عمق استراتژیک خود را در غرب تا کشور ایران پیش ببرد. در

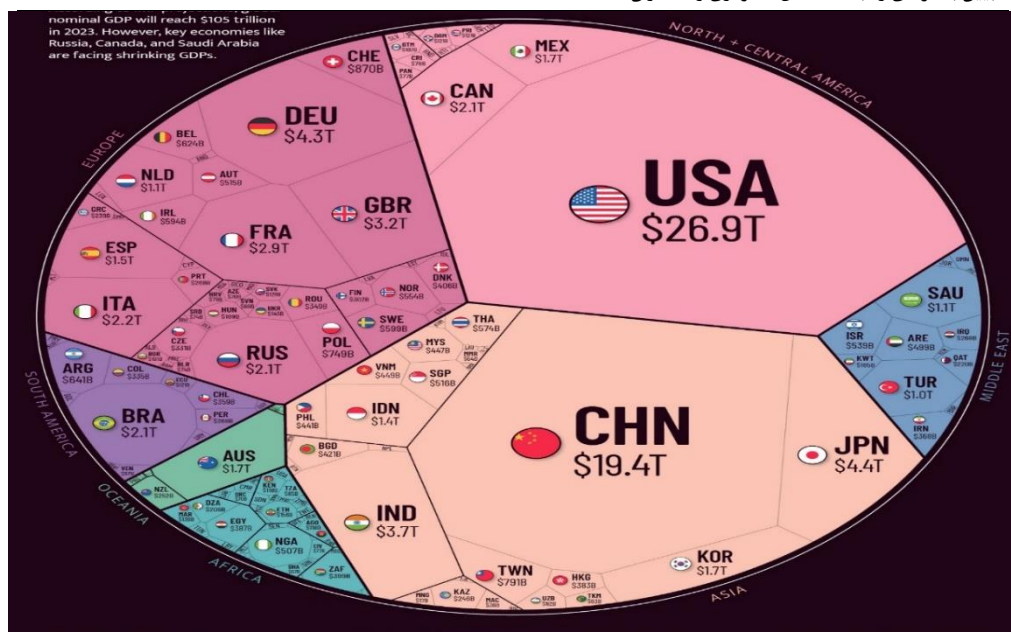
نقطه مقابل هم هندی‌ها از طریق برقراری مناسبات با ژاپن در شرق و همچنین با آمریکا و از سوی دیگر روابط دو جانبه با رژیم صهیونیستی، کشورهای حوزه خلیج فارس به خصوص ایران، عربستان و عمان تلاش می‌کنند ضمن برقراری موازنه قوا در برابر چین و حفظ عمق استراتژیک خود در برابر چین و پاکستان اقدام کند.

کسب موقعیت سیاسی

رقابت ژئوپلیتیکی بین هند و چین در حوزه‌های جغرافیایی مختلف در راستای کسب موقعیت سیاسی در عرصه جهانی و منطقه‌ای است. در واقع کشورها از امتیازات جغرافیایی و ژئواکونومیکی سایر مناطق در راستای ارتقای منزلت و وزن ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کنند. منطقه جنوب غرب آسیا نیز از این قاعده مستثنی نیست و صحنه رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نظیر هند و چین است. در این ارتباط همکاری استراتژیک هند با آمریکا، همکاری استراتژیک چین با پاکستان و افغانستان، موازنه نفوذ و موازنه قدرت، پیمان‌های دو جانبه استراتژیک هند و چین با کشورهای منطقه در راستای کسب موقعیت سیاسی بهتر در منطقه است. در واقع جمیع عواملی نظیر نقش منطقه جنوب غرب آسیا در تامین انرژی، بازار مصرف پرجمعیت و پرتقاضا، وجود گذرگاه‌ها و تنگه‌های استراتژیک و همچنین وجود قدرت‌های اقتصادی پویا در سطح منطقه منجر به اهمیت روزافزون این منطقه برای هند و چین شده است. در حال حاضر چین تلاش می‌کند که به شکل دادن به نظم ژئوپلیتیکی مدنظر خود در جهان اقدام کند و در این راستا باید با نظام تک قطبی با محوریت آمریکا مقابله کند. آمریکا در نقطه مقابل با مناسبات ژئوپلیتیکی با هند تلاش می‌کند از ارتقای جایگاه چین جلوگیری کند. در این ارتباط نقطه اوج مناسبات هند با آمریکا قرارداد هسته‌ای بین دو کشور بوده است که دلیل اصلی آمریکا در راستای این ارتباط برقراری نوعی موازنه در مقابله با چین بوده است؛ این امر برای آمریکا منافع استراتژیکی دارد. رشد اقتصادی و سیاسی چین یکی از عواملی است که منجر به تهدید مشترک آمریکا و هند شده و منجر به مناسبات دو کشور شده است. در آسیای جنوب غرب مناسبات ژئوپلیتیکی بین چین با پاکستان و افغانستان و همچنین با کشورهای حوزه خلیج فارس در راستای کسب نفوذ و موقعیت سیاسی مناسب در منطقه منجر به مناسبات هند با ایران و همچنین عربستان، رژیم صهیونیستی، عمان و کشورهای آسیای مرکزی شده که به نوعی هند تلاش کرده جایگاه و موقعیت سیاسی مناسب را در آسیای جنوب غربی بدست آورد. در واقع باید گفت که منافع ملی هند و تلاش در راستای مقابله با تهدید چین باعث شده است که هندی‌ها این سیاست را در آسیای جنوب غرب در پیش بگیرند.

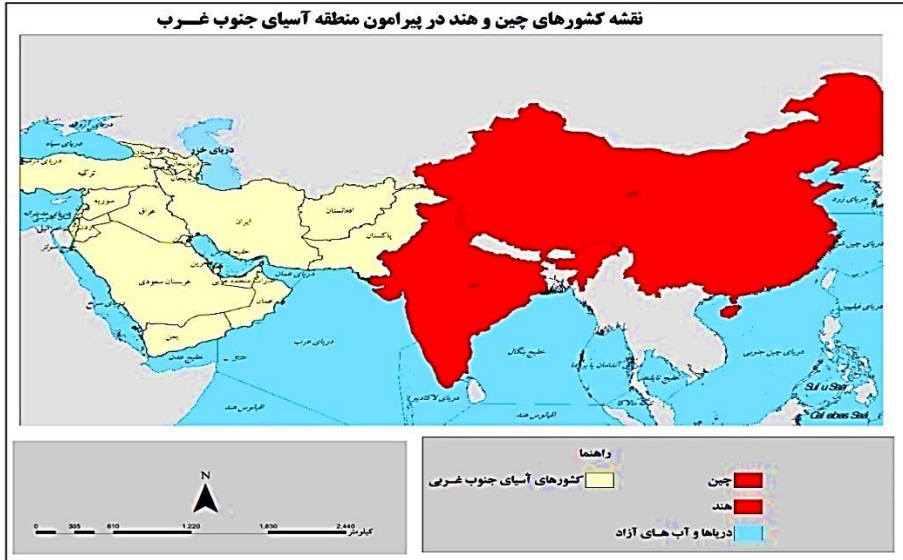
کدهای ژئوپلیتیکی

کدهای ژئوپلیتیک دستور کار سیاست خارجی کشورها با استفاده از امکاناتی است که محیط جغرافیایی در اختیار کشورها قرار می‌دهد. کدهای ژئوپلیتیک در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی قرار دارد. باید گفت که کدهای ژئوپلیتیکی هند و چین در آسیای جنوب غرب در سطح منطقه‌ای قرار دارد. در این راستا محیط جغرافیایی منطقه، منابع انرژی موجود در منطقه، کنش ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، ژئوپلیتیک دسترسی و گذرگاه‌های استراتژیک و همچنین بافت جمعیتی و قومیتی و غیره به عنوان مولفه‌های جغرافیای منطقه آسیای جنوب غرب در کدهای ژئوپلیتیکی دو کشور تاثیر گذار است. با بررسی محیط جغرافیایی منطقه و همچنین رفتار سیاسی دو کشور هند و چین می‌توان دریافت که علاوه بر عوامل فوق دخالت قدرت‌های جهانی (آمریکا، اروپا و روسیه)، بهار عربی، محور توران، نقش‌های متناقض کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا در نظام بین‌الملل، خلاء نسبی قدرت در منطقه با چرخش سیاست خارجی آمریکا به شرق، مناقشه رژیم صهیونیستی، تلاش رژیم صهیونیستی برای ایجاد عمق استراتژیک در خلیج فارس و دریای خزر در اتخاذ کدهای ژئوپلیتیکی هند و چین در آسیای جنوب غرب تاثیرگذار هستند. باید گفت که کدهای ژئوپلیتیکی دو کشور در زمینه‌های جغرافیای دسترسی و ترانزیت از مسیر کشورهای آسیای جنوب غربی به خصوص در پاکستان، افغانستان، ایران و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، منابع انرژی به خصوص وابستگی هر دو کشور به نفت، بازار بکر کشورهای آسیای جنوب غربی، شکل دادن به معاهدات و ترتیبات دفاعی و نظامی با کشورها و غیره در منطقه آسیای جنوب غربی در برابر یکدیگر تعریف می‌شود و زمینه را برای رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور فراهم می‌کند.



شکل (۲) پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که منطقه جنوب غرب آسیا منبع: (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۳)

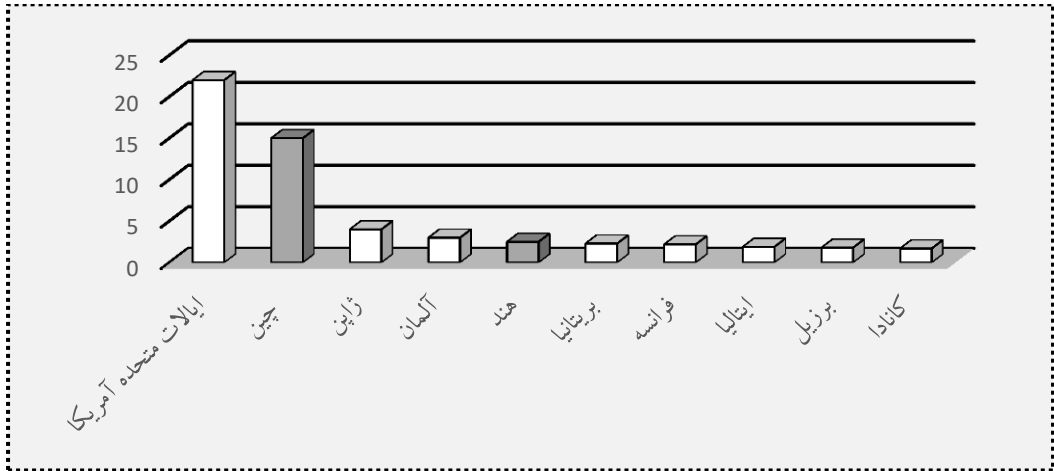
از سوی دیگر، کشورهای هند و چین به عنوان دو کشور در آسیای جنوبی و آسیای جنوب شرق شناخته می‌شوند. هر دو کشور دارای وزن ژئوپلیتیکی بالایی بوده و دارای کدهای ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای در منطقه آسیای جنوبی و آسیای جنوب غربی هستند و سعی می‌کنند به اهداف مد نظر خود در این مناطق دست پیدا کنند. همان‌طور که در نقشه زیر آمده است هر دو کشور هند و چین در حوزه پیرامونی منطقه آسیای جنوب غربی قرار دارند.



نقشه (۲) نقشه موقعیت کشورهای هند و چین نسبت به کشورهای آسیای جنوب غرب

ترسیم: نگارندگان

بر اساس شاخص های اقتصادی صندوق بین المللی پول دو کشور هند و چین جزو ده کشور اول دنیا از لحاظ اقتصادی در سال ۲۰۲۰ بوده اند.



شکل (۳) جایگاه چین در میان ده اقتصاد برتر دنیا در سال ۲۰۲۰ (منبع: IMF. Com)

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از بعد هدف کاربردی است. چرا که از یک سو با مطالعه نظریه ها، یک الگوی نظری برای رقابت ژئوپلیتیکی قدرت های فرامنطقه ای در سطح یک منطقه جغرافیایی ارائه می دهد و

از سوی دیگر چون این الگو در منطقه جنوب غرب آسیا - که کشور ایران یکی از کشورهای حاضر در این منطقه است - پیاده‌سازی شده است، در حیطه پژوهش‌های نظری و کاربردی قرار می‌گیرد. از بعد روش این پژوهش در حیطه پژوهش‌های کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی قرار دارد. در این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای به خصوص منابع خارجی در راستای گردآوری اطلاعات و نظریه‌ها و از تکنیک دلفی (با بهره‌مندی از پرسشنامه دلفی) در راستای غربال‌گری شاخص‌های تاثیرگذار استفاده گردیده است. جامعه آماری این مطالعه نخبگان و متولیان امر در حوزه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، مطالعات دفاعی، مدیریت راهبردی و جغرافیای نظامی بوده است. تعداد اعضای نمونه نیز ۲۳ نفر بوده که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند و بهره‌گیری از روش گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. نهایتاً شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش کیفی و مبتنی بر استدلال و منطق انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

الگوی نظری رقابت ژئوپلیتیک دو کشور در آسیای جنوب غرب

در این تحقیق ابتدا مولفه‌های رقابت ژئوپلیتیکی از نظریه‌ها و رویکردهای شناخته‌شده استخراج گردید. بیش از ۵۰ شاخص مستخرج از نظریه‌ها و رویکردها احصا شده که در ادامه در جدول زیر آورده شده است.

جدول (۴) شاخص‌های تاثیرگذار بر رقابت ژئوپلیتیکی کشورها مستخرج از نظریه‌ها و رویکردها

نظامی	اجتماعی - فرهنگی	اقتصادی	سیاسی (داخلی و خارجی)	جغرافیای طبیعی و انسانی
رقابت بر سر قدرت نظامی	رقابت اندیشه‌ای	منابع معدنی	کسب موقعیت سیاسی - اقتصادی	دسترسی به راه‌های تجاری، راه‌های آبی مواصلاتی، رقابت بر سر سرزمین، موقعیت جغرافیایی، گذرگاه‌های استراتژیک، مسائل ارضی و مرزی، موقعیت استراتژیک
توازن قوا	تفاوت‌های تمدنی و دینی	خطوط انتقال انرژی	نفوذ سیاسی	موقعیت ارتباطی
کمیت و کیفیت منابع انسانی در نیروهای مسلح	ملی‌گرایی	توسعه اقتصادی	سیادت منطقه‌ای	موقعیت دریایی
کمیت و کیفیت تجهیزات و تسلیحات نظامی	اقبلیت‌های قومی و قوم‌گرایی	توسعه فناوری	نوع نظام سیاسی	عمق استراتژیک
فناوری دفاعی داخلی	مرکزگرایی و مرکزگرایی و تنوع فرهنگی	دسترسی به بازار	انگیزه عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای	وسعت جغرافیایی
معاهدات دفاعی امنیتی	تعلقات تمدنی و دینی	عدم هم‌تکمیلی اقتصادی در آسیای جنوب غربی	مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک	موقعیت ارتباطی
با قدرت‌های بزرگ	تجربه تاریخی	منافع اقتصادی	کارآمدی ساختار سیاسی حکومت	مجاورت و نزدیکی جغرافیایی به جنوب غرب آسیا
	پروژه ملت‌سازی	پایدار	عضویت و نفوذ در اتحادیه‌ها و بلوک‌های سیاسی	کدهای ژئوپلیتیکی
	رشد جمعیت	منافع ناسازگار	اقتصادی -	کمیت جمعیت
	مذهب	هند و چین در آسیای جنوب غربی		
	گروه‌های قومی، مذهبی، نژادی			
	متجانس در جنوب غرب آسیا			
	مولفه‌های فرهنگی			
	انسجام ملی و تجانس سیاسی، قومی و مذهبی			

منبع: یافته‌های پژوهش (ترسیم: نگارندگان)

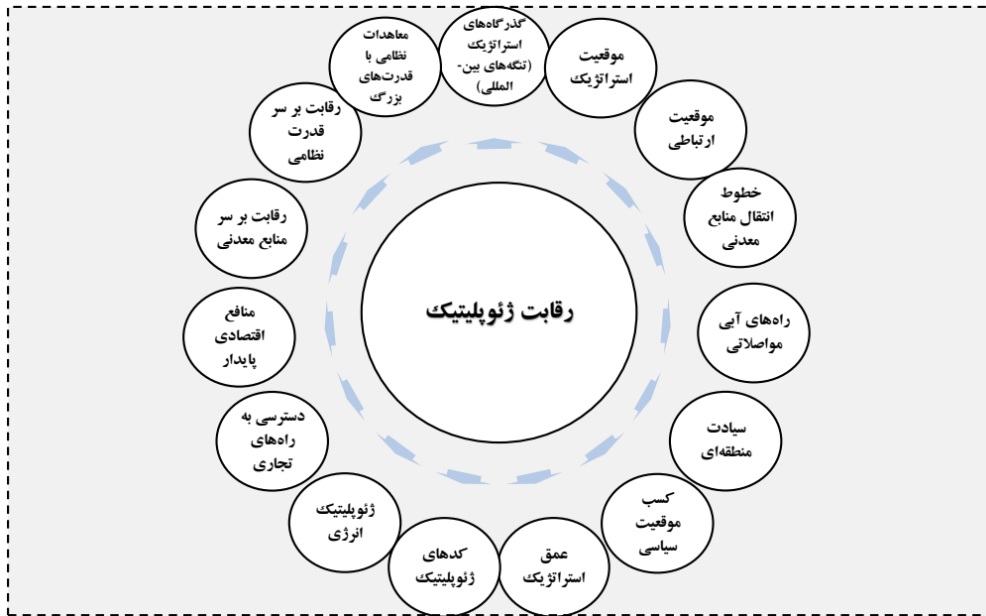
در این میان اعضای نمونه از بین بیش از ۵۰ شاخص و مولفه تاثیرگذار مستخرج از نظریه‌ها و رویکردها به شناسایی شاخص‌های تاثیرگذار رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا اقدام کردند. سپس این مولفه‌ها را با مزید نمودن محیط رقابت ژئوپلیتیکی «جنوب غرب آسیا» و کشورهای رقابت‌کننده «هند و چین» در قالب یک پرسش‌نامه با نخبگان دانشگاهی و اساتید جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و مدیریت دفاعی به اشتراک گذاشته شد. پرسشنامه در پنج بعد جغرافیایی (طبیعی و انسانی)، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و اجتماعی شامل ۵۵ سوال در قالب طیف لیکرت طراحی و پس از سنجش روایی و پایایی آن،

به دو صورت فیزیکی و پرسشنامه گوگل فرم -آنلاین- در اختیار ۲۳ نفر از نخبگان و اساتید دانشگاهی جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و مدیریت دفاعی که به‌صورت جامعه آماری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شده بودند، قرار گرفت. مولفه‌های زیر به عنوان بسترها و زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیک دو کشور هند و چین در منطقه جنوب غرب آسیا شناخته شد که با مشورت با اساتید و پنل خبرگی در چهار بعد جغرافیا، اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار گرفتند.

جدول (۵) ابعاد و مولفه‌های رقابت ژئوپلیتیک

ابعاد	مولفه‌ها
جغرافیای دسترسی	تنگه‌های استراتژیک
	موقعیت استراتژیک
	موقعیت ارتباطی
	خطوط انتقال منابع معدنی
	راه‌های مواصلاتی دریایی
سیاسی	سیادت منطقه‌ای
	کسب موقعیت سیاسی
	عمق استراتژیک
	کدهای ژئوپلیتیک
اقتصادی	ژئوپلیتیک انرژی
	دسترسی به راه‌های تجاری
	منافع اقتصادی پایدار
	رقابت بر سر منابع معدنی
نظامی	رقابت بر سر قدرت نظامی
	معاهدات دفاعی و نظامی با قدرت‌های بزرگ

منبع: یافته‌های پژوهش (ترسیم: نگارندگان)



شکل (۴) زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی

باید گفت که هر کدام از این مولفه‌های در چندین نظریه و رویکرد مورد تاکید قرار گرفته است که در ادامه در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

جدول (۶) ابعاد و مولفه‌های رقابت ژئوپلیتیک هند و چین در جنوب غرب آسیا

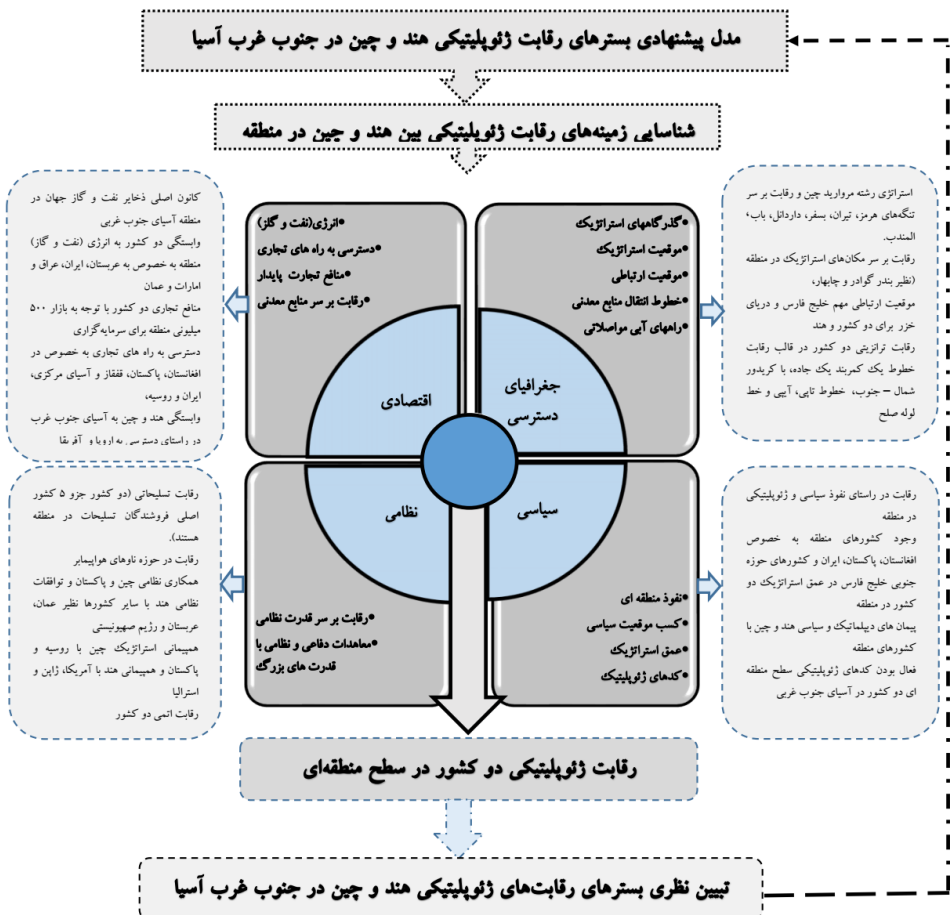
نظامی	سیاسی				اقتصادی				جغرافیا				بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی نظریه‌ها و رویکردها		
	معاهدات دفاعی و نظامی با قدرت‌های بزرگ	رقابت بر سر قدرت نظامی	کدهای ژئوپلیتیک	عمق استراتژیک	کسب موقعیت سیاسی	سیادت منطقه‌ای	رقابت بر سر منابع معدنی	دسترسی به راه‌های تجاری	ژئوپلیتیک انرژی	منافع اقتصادی پایدار	راه‌های آبی مواصلاتی	خطوط انتقال منابع معدنی		موقعیت ارتباطی	موقعیت استراتژیک
															هربرت اسپنسر (۱۸۶۰)
															جانانان مارکویتز (۲۰۲۰)
															فردریک راتزل

ملاحظات دفاعی و نظامی با قدرت‌های بزرگ	رقابت بر سر قدرت نظامی	کدهای ژئوپلیتیک	عمق استراتژیک	کسب موقعیت سیاسی	سیادت منطقه‌ای	رقابت بر سر منابع معدنی	دسترسی به راه‌های تجاری	ژئوپلیتیک انرژی	منافع اقتصادی پایدار	راه‌های آبی مواصلاتی	خطوط انتقال منابع معدنی	موقعیت ارتباطی	موقعیت استراتژیک	گذرگاه‌های استراتژیک	بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی	نظریه‌ها و رویکردها
															(۱۹۰۱)	
															ادوارد ان لوتواک (۱۹۹۰)	
															ویلیام تامپسون و کلرمونت (۱۹۹۵)	
															ساموئل پی هانتینگتون (۱۹۹۳)	
															جفری کمپ (۱۹۹۷)	
															ژرارد دوسوی (۲۰۱۰)	
															ریچارد اشلی (۱۹۸۰)	
															پیترمی‌یر (۱۹۹۴)	
															محمد رضا حافظ نیا (۲۰۱۹)	
															حسین مختاری هشی (۲۰۱۲)	

منبع: یافته‌های پژوهش (ترسیم: نگارندگان)

در این الگو رقابت معمولاً بین قدرت‌های بزرگ در سطوح منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی شکل می‌گیرد، که طرفین ضمن رعایت اصل تعادل و توازن در مناسبات و احترام متقابل، با یکدیگر با احتیاط برخورد نموده و سعی در دنبال کردن منافع خود هستند.

همان‌طور که گفته شد هدف این پژوهش تبیین زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی بین هند و چین در جنوب غرب آسیا بود. در این راستا با بررسی نظریه‌ها و رویکردهای رقابت و همچنین غربال‌گری شاخص‌ها و مولفه‌ها تاثیرگذار با روش دلفی در ۴ بعد و ۱۵ شاخص، مدل پیشنهادی پژوهش به شرح زیر ارائه شد.



شکل (۵) مدل پیشنهادی زمینه‌های رقابت ژئوپلیتیکی هند و چین در جنوب غرب آسیا

(ترسیم: نگارنده)

نتیجه‌گیری

هند و چین به‌عنوان دو کشوری که در سال ۲۰۲۳ جزو پنج کشور اول جهان از لحاظ شاخص‌های اقتصادی هستند، همواره روابط پرفراز و نشیبی با هم‌داشته‌اند و مانند گذشته تعامل و رقابت در روابط آن‌ها به صورت پیوسته حفظ خواهد داشت. البته رقابت در روابط دو کشور با توجه به مجاورت جغرافیایی و اختلافات سرزمینی و تلاش برای کنش ژئوپلیتیکی مناسب در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامونی بیشتر خواهد شد. بررسی روابط اقتصادی دو کشور بیان‌کننده رشد روابط به خصوص پس از دهه ۱۹۹۰ م می‌باشد. اما این روابط اقتصادی،

رقابت‌های ژئوپلیتیکی دو کشور را از بین نبرده و هر دو کشور به تعریف کدهای ژئوپلیتیکی در سطوح مختلف در راستای کسب منافع حداکثری اقدام می‌کنند.

منطقه جنوب غرب آسیا به واسطه وجود ذخایر و منابع انرژی، گذرگاه‌ها و تنگه‌های استراتژیک، بازار مناسب تجاری، موقعیت مناسب استراتژیکی، ارتباطی و غیره در صحنه رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور هند و چین قرار دارد و هر دو کشور تلاش می‌کنند از ظرفیت‌های جغرافیایی و اقتصادی موجود در منطقه استفاده کنند. در این میان مهم‌ترین بسترهای رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور در این منطقه عبارتند از تنگه‌های استراتژیک موجود در منطقه، موقعیت استراتژیک، موقعیت ارتباطی، خطوط انتقال منابع معدنی، راه‌های مواصلاتی دریایی، تلاش برای سیادت منطقه‌ای، کسب موقعیت سیاسی، عمق استراتژیک، کدهای ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک انرژی، دسترسی به راه‌های تجاری، منافع اقتصادی پایدار، رقابت بر سر منابع معدنی، رقابت بر سر قدرت نظامی و معاهدات دفاعی و نظامی با قدرتهای بزرگ.

در این راستا چینی‌ها متناسب با راهبرد استراتژی کمر بند - راه و ظرفیت کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی در راستای جغرافیای دسترسی و همچنین موقعیت ارتباطی و استراتژیک این منطقه در تلاش است که اروپا، آمریکا و کشورهای آسیای بدانند که چین به عنوان یک کشور پیشرو در آسیا شناخته می‌شود. در واقع چینی‌ها پس از روی کار آمدن شی جین پینگ در سال ۲۰۱۳، تلاش کرده‌اند بازی فعالی در صحنه آسیای جنوبی، آسیای پاسفیک و آسیای جنوب غربی برقرار کنند در همین راستا به برقراری روابط استراتژیک با پاکستان و افغانستان اقدام کرده‌اند که در مجاورت جغرافیای هند قرار دارند و هند نیز در این ارتباط احساس خطر از تنگنای استراتژیک می‌کند.

در سوی دیگر، کشور هند در راستای برقراری موازنه ژئوپلیتیکی در برابر چین در منطقه جنوب غرب آسیا سعی کرده که روابط دو جانبه با کشورهای منطقه برقرار کنند. در این راستا با توجه به سرمایه‌گذاری‌های چینی‌ها در بندر گوادر، دهلی نو در بندر چابهار و همچنین در بندر دو قم در عمان سرمایه‌گذاری لازم را انجام داده است. مناسبات و واردات انرژی هندی‌ها از کشورهای عربستان، ایران، عمان و امارات انجام می‌گیرد و هندی‌ها با رژیم صهیونیستی در زمینه تسلیحات و واردت سلاح روابط بسیار نزدیکی دارد. این رقابت بین دو کشور در زمینه رقابت ترانزیتی نیز وجود دارد و هندی‌ها در مقابل کریدور اقتصادی چین و پاکستان تلاش کرده‌اند خطوط انتقال تاپی و آپی را سازماندهی کنند اگرچه راه‌اندازی این خطوط تحت‌تاثیر تحریم‌های بین‌المللی جامعه جهانی بر علیه ایران و مناسبات نزدیک هند و آمریکا چندان موفقیت‌آمیز نبوده است.

وضع موجود در روابط دو کشور در آسیای جنوب غربی با توجه به ژئوپلیتیک انرژی حاکم در منطقه و رقابت کردیدوری که در حال حاضر در منطقه فعال است گویای تداوم رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور هند و چین در این منطقه است. در این ارتباط باید به نقش ایالات متحده آمریکا هم اشاره کرد. آمریکا تلاش می‌کند با برقراری مناسبات اقتصادی و ژئوپلیتیکی با هند موازنه قوا را در آسیا در برابر چین برقرار کنند. علی‌رغم وجود رقابت، دو کشور تلاش می‌کنند که روابط دوجانبه را مدیریت کرده و رقابت دو کشور منجر به بحران نشود. در حال حاضر روابط اقتصادی و تجاری و همچنین روابط دیپلماتیک دو کشور در این راستا توجیه می‌شود.

قدردانی

این پژوهش برگرفته از رساله دکتری در دانشگاه عالی دفاع ملی است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت کلیه همکاران و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه که در به سرانجام رسیدن این رساله همکاری داشتند صمیمانه‌ی تشکر و قدردانی نمایم.

منابع

- احمدی پور، زهرا، لشگری تفرشی، احسان (۱۳۹۲). فلسفه جغرافیایی تداوم رقابت در روابط بین الملل پس از جنگ سرد. تحقیقات جغرافیایی، ۲۹(۳)، ۲۹-۴۰.
- بدیعی ازندهی، مرجان، زارعی، بهادر و معین برزگرزاده زرنندی (۱۴۰۱)، تاثیرگذاری ژئوپلیتیک انرژی بر تامین امنیت منطقه‌ای جنوب آسیا با تاکید بر نقش هند و چین در قرن ۲۱، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴، صص ۱۵۶۱-۱۵۴۵.
- توحیدی، زهرا و سید علی طباطبایی پناه (۱۳۹۷). رقابت چابهار و گوادر: از تصور تا واقعیت. فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره ۳۹، صص ۹۷-۱۲۴.
- جان پرور، محسن، مازندرانی، دریا (۱۳۹۹). طراحی مدل مفهومی مناسبات ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا. آمایش سیاسی فضا، ۲.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ پنجم، پاپلی، مشهد
- حافظ‌نیا، محمدرضا، و همکاران، (۱۳۸۶)، الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک، تابستان ۱۳۸۶، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۸)
- کریمی، مهدی (۱۴۰۱). کنشگری امنیتی هند و چین در منطقه جنوب آسیا، فصلنامه سیاست جهانی، دوره یازدهم، شماره سوم، صص ۱۲۵ - ۱۴۵.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۰). «الگوی رقابت ژئوپلیتیکی در سازمان‌های منطقه‌ای: مطالعه موردی: اکو»، رساله دکتری به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا، دانشگاه تربیت مدرس.

- موسوی شهیدی، سید مهدی، احمدی کروچ، سید عباس. (۱۳۹۸). زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی. فصلنامه روابط خارجی، ۱۱(۲)، ۶۹-۱۰۲.
- هادیان جزی، ناصر و مهدی بازوند (۱۴۰۰). رشد چین و سیاست خارجی آمریکا و هند در قبال یکدیگر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۱۴۹-۱۷۳.
- هادیان جزی، ناصر و مهدی بازوند (۱۴۰۰). رشد چین و سیاست خارجی آمریکا و هند در قبال یکدیگر از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۹، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۱۴۹-۱۷۳.
- Ashley, Richard. (1980). *The Political Economy of War and Peace*. London: Francis Pinter
- Conrad, Portia B (2017). China's Access to Gwadar Port: Strategic Implications and Options for India, *The National Maritime Foundation of India*, 13 (1): 55-62.
- Dawn (2017). Pakistan extends support to China's One Belt One Road. From: <https://www.dawn.com/news/1331466>
- Degong, M. (2020). An empirical nexus between exchange rate and China's outward foreign direct investment: Implications for Pakistan under the China Pakistan economic corridor project. *The Quarterly Review of Economics and Finance*. In access at: <https://doi.org/10.1016/j.qref.2020.12.001>.
- Flint, C. , & Zhu, C. (2019). The geopolitics of connectivity, cooperation, and hegemonic competition: The Belt and Road Initiative. *Geoforum*, 99, 95-101.
- Gray, C. S. (1977). *Geopolitics of the nuclear era: heartland, rimlands, and the technological revolution*. Hudson Inst. , NY.
- Huntington. S. P. (1997). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, New York: Simon & Schuster.
- İlhan, Bekir (2020), "China's Evolving Military Doctrine after the Cold War", *SETA Analysis*, (59), 11-12.
- Jaschock, M. , & Chan, H. M. Vicky. (2009). Education, gender and Islam in China: The place of religious education in challenging and sustaining 'undisputed traditions' among Chinese Muslim women. *International Journal of Educational Development*, 29 (5), 487-494.
- Jawli, N. (2016). South China Sea and India's geopolitical interests. *Indian Journal of Asian Affairs*, 85-100.
- Kabraji, Rosheen (2012). *The China-Pakistan Alliance: Rhetoric and Limitations*. Asia Programme Paper ASP 1-29.
- Kovalev, V. V. , Kasyanov, V. V. , Bortsov, Y. S. , Goloborodko, A. Y. , & Skudnova, T. D. (2017). The increase in geopolitical competition as a challenge (threat) to Russia's national security.

- Luttwak, Edward N. (1990). From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict, Grammar to Commerce. The National Interest. Vol: 20. Pp: 17-24
- Markowitz, Jonathan and Christopher J. Fariss (2019), Power, Proximity, and Democracy: Geopolitical Competition in the International System, School of International Relations University of Southern California, USA
- Mehar, A. (2017). Infrastructure development, CPEC and FDI in Pakistan: is there any connection?. Transnational Corporations Review, 9, 232- 241. Retrieved Aug 10, 2017, from: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/19186444.2017.1362857?journalCode=rncr20&>.
- Paik, K. W. , & Lan, Q. (1998). China preps to expand gas output and distribution amid challenges. Oil & gas journal, 96(29), 27-32.
- Panda, Ankit (2019). India Gains Access to Oman's Duqm Port, Putting the Indian Ocean Geopolitical Contest in the Spotlight. Retrieved March 3, 2019, from The Diplomat: <https://thediplomat.com/2018/02/india-gains-access-to-omans-duqm-port-putting-the-indian-ocean-geopolitical-contest-in-the-spotlight/> 2018, February 1.
- Rosen, M. , & Jackson, D. (2017). The US-India Defense Relationship: Putting the Foundational Agreements in Perspective (p. 0050). CNA.
- Singh, Prashant Kumar (2016), "Changing Contexts of Chinese Military Strategy and Doctrine", Institute for Defense Studies and Analyses.
- Tehran Times. com
- Thompson, William R (1995); "Principal Rivalries", Journal of Conflict Resolution, Vol. 39, No. 2.
- www.china daily.com
- www.energyintel.com
- www.Imf.com
- www.Tradingeconomic.com
- www.Worcman.com
- www.Worldbank.Com
- www.Worldbank.com
- www.Worldeconomic.com
- Xuanli Liao, J. (2021). China's energy diplomacy towards Central Asia and the implications on its "belt and road initiative". The Pacific Review, 34(3), 490-522.